

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

«الْعَالِمُ بِزَمَانِهِ لَا تَهْجُمُ عَلَيْهِ اللَّوَايِسُ»

الكافي، جلد ۱، صفحه ۲۶

امام خامنه‌ای مدظله‌العالی:

درس خواندن و تهذیب اخلاق و هوشیاری سیاسی همراه با تلاش‌های انقلابی، وظایفی هستند که دختران و پسران این نسل باید آنها را هرگز فراموش نکنند. ۱۳۹۸/۹/۲۴

عنوان:

مردم سالاری دینی

شناسنامه مطلب	
b-267-3	کد مطلب
بصیرتی / مباحث آموزشی / گام اول: اطلاعات سیاسی / مقدماتی	رده
مردم سالاری، رای مردم، دموکراسی	برچسب
	توضیحات

پایگاه تزکیه‌ای، علمی، بصیرتی و مهارتی نمو

nomov.ir

مردم سالاری دینی

واژه «مردم سالاری دینی»، اصطلاح تازه‌ای در گفتمان سیاسی دنیاست که - بر خلاف واژه‌هایی چون جمهوری اسلامی، پارلمان اسلامی و ... که همگی ترکیب‌هایی از یک مفهوم غربی به علاوه یک قید اسلامی هستند - در بستر مبانی سیاسی اسلام و متأثر از آموزه‌های نبوی و علوی روئیده و بر آن است تا ضمن پاسداشت حقوق مردم در حوزه سیاست و اداره امور جامعه و پرهیز از الگوهای حکومتی استبدادی، رعایت اصول و مبانی ارزشی را بنماید و بدین ترتیب، نظام اسلامی را از الگوهای سکولار غربی تمییز دهد. برای این منظور، در حکومت اسلامی، روش نوینی مورد توجه قرار گرفته که نه استبدادی و نه لیبرالی است.

نظر مقام معظم رهبری

مقام معظم رهبری از این روش حکومتی، به «مردم سالاری دینی» تعبیر نموده‌اند و در توضیح آن می‌فرماید:

«این مردم سالاری (دینی) به ریشه‌های دموکراسی غربی مطلقاً ارتباط ندارد؛ این یک چیز دیگر است. اولاً مردم سالاری دینی دو چیز نیست؛ این طور نیست که ما دموکراسی را از غرب بگیریم و به دین سنجاق کنیم تا بتوانیم یک مجموعه کاملی داشته باشیم؛ نه، خود این مردم سالاری هم متعلق به دین است. مردم سالاری هم دو سر دارد... یک سر آن عبارت است از این که تشکیل نظام به وسیله اراده و رأی مردم صورت بگیرد؛ یعنی مردم نظام را انتخاب می‌کنند؛ دولت را انتخاب می‌کنند... این همان چیزی است که غرب ادعای آن را می‌کند و البته در غرب این ادعا واقعیت هم ندارد.... این حرف، متکی به نظرات و حرف‌ها و دقت‌ها و مثال آوردن‌های خود برجستگان ادبیات غربی است.... انتخاب مردم یکی از دو بخش مردم سالاری دینی است. مردم بایستی انتخاب کنند، بخواهند، بشناسند و تصمیم بگیرند تا تکلیف شرعی درباره آنها منجز بشود. بدون شناختن و دانستن و خواستن، تکلیفی نخواهند داشت.»

سر دیگر قضیه مردم سالاری (دینی) این است که حالا بعد از آن که من و شما را انتخاب کردند، ما در قبال آنها وظایف جدی و حقیقی داریم...».

مفهوم مردم سالاری دینی

مردم سالاری دینی، ناظر به مدلی از حکومت است که بر مشروعیت الهی و مقبولیت مردم و در چارچوب مقررات الهی استوار است و در راستای حق‌مداری، خدمت‌محوری و ایجاد بستری برای رشد و تعالی مادی و معنوی، ایفای نقش می‌کند.

اصول مردم سالاری دینی

اصول مردم سالاری دینی عبارتند از:

۱. فضیلت محوری. ۲. هدایت محوری. ۳. حاکمیت الهی. ۴. ایمان دینی. ۵. انتخاب مردمی. ۶. آرمان گرایی. ۷. تکلیف محوری. ۸. شایسته سالاری. ۹. قانون محوری. ۱۰. رضایت مندی.

وجوه اشتراک و افتراق مردم سالاری دینی با مردم سالاری غیردینی

الف) وجوه اشتراک

۱. ذی حق دانستن مردم و حرمت نهادن به ملت
۲. زمینه سازی برای مشارکت مردمی در تمام مراحل تصمیم گیری سیاسی و اجتماعی
۳. تعیین انتخابات، به عنوان طریق قانونی اعمال مردم سالاری
۴. الزام به رأی اکثریت در امور اجرایی
۵. احترام به آزادی های فردی و جمعی
۶. توسعه همه جانبه و رشد و شکوفایی خلاقیت ها در پرتو تضارب آرا و تعامل افکار

ب) وجوه افتراق

۱. در مردم سالاری سکولار، حاکمیت ملی به طور مطلق پذیرفته می شود؛ ولی در مردم سالاری دینی با پذیرش حاکمیت مطلق خداوند، حاکمیت ملی نسبی خواهد بود.
۲. مردم سالاری سکولار، رأی اکثریت را به صورت مطلق ملاک عمل قرار می دهد؛ اما در مردم سالاری دینی در بعد قانون گذاری، رأی اکثریت در چارچوب شریعت پذیرفته می شود.
۳. در مردم سالاری سکولار، حاکمیت اولاً و بالذات از آن مردم است، ولی در مردم سالاری دینی، حاکمیت اولاً و بالذات از آن خداست و حاکمیت مردم در طول حاکمیت خداوند است و نه در عرض آن.
۴. در مردم سالاری سکولار، دین صرفاً امری شخصی و مربوط به حوزه فردی است؛ اما در مردم سالاری دینی، دین، حوزه فردی و اجتماعی مردم را در بر می گیرد

۵. مردم سالاری سکولار با مردم سالاری دینی در ارائه تعریف از بشر و حقوق آن در پاره ای از موارد دیگر با هم اختلاف دارند.

امام خمینی خطاب به جمعی از مجلس خبرگان: اکثریت هر چه گفتند آرای ایشان معتبر است ولو به خلاف، به ضرر خودشان باشد. شما ولی آنها نیستید که بگویید که این به ضرر شماست ما نمی‌خواهیم بکنیم. شما وکیل آنها هستید؛ ولی آنها نیستید. بر طبق آن طوری که خود ملت مسیرش هست.

شما هم خواهش می‌کنم از اشخاصی که ممکن است یک وقتی یک چیزی را طرح بکنند که این طرح برخلاف مسیر ملت است، طرحش نکنند از اول، لازم نیست، طرح هر مطلبی لازم نیست. لازم نیست هر مطلب صحیحی را اینجا گفتن. شما آن مسائلی که مربوط به وکالتان هست و آن مسیری که ملت ما دارد، روی آن مسیر راه را بروید، ولو عقیده‌تان این است که این مسیری که ملت رفته خلاف صلاحش است. خوب، باشد. ملت می‌خواهد این طور بکند، به ما و شما چه کار دارد؟ خلاف صلاحش را می‌خواهد. ملت رأی داده؛ رأی که داده مَّتَّبِع (۱) است.

در همه دنیا رأی اکثریت، آن هم یک همچو اکثریتی، آن هم یک فریاد چند ماهه و چند ساله ملت، آن هم این مصیبت‌هایی که ملت ما در راه این مقصد کشیده‌اند، انصاف نیست که حالا شما بیاید یک مطلبی بگویید که برخلاف مسیر است. یعنی انصاف نیست، که نمی‌شود هم، پیش نمی‌رود. اگر چنانچه یک چیزی هم گفته بشود، پیش نمی‌رود؛ برای اینکه اولاً مخالف با وضع وکالت شما هست و شما وکیل نیستید از طرف ملت برای هر چیزی. و ثانیاً بر خلاف مصلحت مملکت است، برخلاف مصلحت ملت است؛ برخلاف مصلحت خود آقایان است.^۱

امام خمینی: میزان، رأی ملت است

میزان؛ رأی ملت است. ملت یکوقت خودش رأی می‌دهد. یکوقت یک عده‌ای را تعیین می‌کند که آنها رأی بدهند: آن در مرتبه دوم صحیح است. و الا مرتبه اول، حق مال خود ملت است. شما خون دادید، حقوقدانان برای شما تکلیف معین کنند؟! خودتان باید تکلیف معین کنید. شماید، همین ملت، همین مردم محروم دانشگاه، جوانهای محروم دانشگاه، همین جوانهای محروم مدرسه فیضیه، همین جوانهای محروم در ارتش، همین جوانهای محروم در بازار، همین جوانهای محروم در کارخانه‌ها و در کشاورزی، اینها باید رأی بدهند. بهانه‌ها را کنار بگذارید؛ از خدا بترسید؛ با ملت شوخی نکنید؛ رأی مردم را هیچ حساب نکنید؛ مردم را به حساب بیاورید.^۲

۱. جلد ۹ صحیفه نور صفحه ۳۰۴

۲. جلد ۸ صفحه ۱۷۳